گزارش خبری

۴۶۰ هکتار از جنگل‌ها در حریق خائیز خسارت دید

ایسنا: فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی کشور با بیان اینکه آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع عامل اصلی وقوع آتش‌سوزی در جنگل‌های زاگرس در هفته‌های اخیر بوده است، گفت: در آتش‌سوزی کوهستان خائیز، ۴۶۰ هکتار از عرصه‌های طبیعی دچار حریق شدند. البته بیش از ۸۰ درصد خسارت‌ها به صورت سطحی بوده است.

سرهنگ علی ملکی‌آهنگران درباره روند اطفای حریق در کوهستان خائیز در روزهای اخیر توضیح داد: آتش‌سوزی در کوهستان خائیز از روز دوشنبه (۱۸ تیرماه) آغاز شد و تا روز جمعه (۲۲ تیرماه) ادامه داشت. بیشتر عرصه‌هایی که در این آتش‌سوزی درگیر شدند، مربوط به مناطق حفاظت‌شده‌ای بود که به سازمان حفاظت محیط زیست احاله مدیریت شده است و در مجموع ۴۵۰ هکتار از مناطق تحت مدیریت سازمان محیط زیست و ۱۰ هکتار از مناطق تحت مدیریت سازمان منابع طبیعی در این حریق دچار آسیب شد.

او با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد خسارت حریق ایجادشده در منطقه خائیز به صورت سطحی بوده است، اظهار کرد: گونه گیاهی غالب این کوهستان، درخت بلوط است اما گونه‌هایی مثل بادام کوهی، ارژن و گون نیز در این منطقه رشد می‌کنند و در آتش‌سوزی اخیر، هرچه ارتفاع یک گونه کمتر بوده، درخت مدنظر بیشتر دچار آسیب شده است. کوهستان خائیز بین دو شهرستان بهبهان استان خوزستان و دهدشت استان کهگیلویه‌وبویراحمد واقع شده است و برای عملیات اطفای حریق روزهای اخیر در این منطقه، نیروهای یگان حفاظت منابع طبیعی هر دو استان در کنار نیروهای مردمی، پرسنل یگان حفاظت محیط زیست، نیروهای بسیج، نیروهای ارتش و نیروهای محلی دهیاری‌ها و بخشداری‌های هر دو استان به محل حادثه اعزام شدند.

ملکی‌آهنگران با تأکید بر اینکه آتش‌زدن کاه و کُلَش پس‌چَر مزارع عامل اصلی وقوع حریق در کوهستان خائیز بوده است، اظهار کرد: متأسفانه در حریق اخیر نیز مانند بسیاری از آتش‌سوزی‌های دیگری که در جنگل‌های زاگرس رخ می‌دهد، شاهد آن بودیم که یک کشاورز بدون رعایت نکات ایمنی و بدون هماهنگی با مأموران منابع طبیعی، اقدام به آتش‌زدن کاه و کُلَش (بقایای محصولات کشاورزی پس از برداشت) مزرعه خود کرده و چون نتوانسته است حریق ایجادشده را کنترل کند، آتش به اراضی تحت مدیریت سازمان محیط زیست سرایت کرده است.

او افزود: کوهستان خائیز در منطقه حفاظت‌شده‌ای قرار دارد که به سازمان حفاظت محیط زیست احاله مدیریت شده است و وظیفه اصلی مهار آتش‌سوزی این منطقه را نیروهای یگان حفاظت محیط زیست کشور بر عهده دارند. با این حال یگان حفاظت منابع طبیعی برای اطفای حریق اخیر با تمام قوا پای کار آمد و ضمن اینکه نیروهای یگان حفاظت و مدیران کل منابع طبیعی هر دو استان خوزستان و کهگیلویه‌وبویراحمد برای اطفای حریق خائیز همکاری کردند، یگان حفاظت منابع طبیعی در مجموع بیش از صد نفر از پرسنل یگان یا همیاران طبیعت استان خوزستان و بیش از ۱۵۰ نفر از پرسنل یگان یا همیاران طبیعت استان کهگیلویه‌وبویراحمد را ساماندهی و به منطقه اعزام کرد.

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی کشور ضمن تقدیر از نیروهای یگان حفاظت محیط زیست، ارتش، بسیج، دهیاری‌ها، بخشداری‌ها و به‌ویژه نیروهای مردمی حاضر در عملیات اطفای حریق منطقه خائیز، تأکید کرد: یگان حفاظت منابع طبیعی در اطفای حریق کوهستان خائیز تمام تجهیزات در اختیار خود مثل دمنده، آتش‌کوب، فلش‌بک و... را پای کار آورد. همچنین با همراهی امیر محمدحسن نامی، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور، یک فروند هواپیمای ایلیوشین و دو فروند بالگرد برای آب‌پاشی به منطقه اعزام شد که آب‌پاشی با هواپیما در چهار مرحله و آب‌پاشی به وسیله بالگردها در ۱۰ مرحله صورت گرفت. البته بالگردها در انتقال نیروها به عرصه‌های صعب‌العبور منطقه نیز نقش مهمی ایفا کردند.

او اضافه کرد: در عملیات اطفای حریق منطقه خائیز، هشت نفر از نیروهای منابع طبیعی مصدوم شدند که نشان می‌دهد یگان حفاظت منابع طبیعی کشور در این عملیات با تمام توان حضور داشت. خوشبختانه از عصر دیروز حریق به صورت کامل مهار شده است، اما با توجه به اینکه دمای هوای منطقه به‌شدت بالاست، هرگونه غفلت می‌تواند عامل ایجاد حریق مجدد در کوهستان خائیز یا مناطق اطراف آن شود. به همین دلیل از عموم جوامع محلی به صورت جدی درخواست داریم که ضمن پرهیز از آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع، دیگر نکات ایمنی لازم برای جلوگیری از ایجاد حریق در عرصه‌های طبیعی را نیز رعایت کنند.

آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع

ملکی‌آهنگران با بیان اینکه در هفته‌های اخیر، آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع از طرف کشاورزان، بیش از هر عامل دیگری منجر به وقوع حریق در جنگل‌های زاگرس شده است، گفت: متأسفانه برخی افراد به گمان اینکه زمین کشاورزی آنها ملک شخصی است، اقدام به آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع خود می‌کنند ولی به این نکته توجه نمی‌کنند که به احتمال بالا حریقی که آنها در زمین خود ایجاد می‌کنند، از کنترل‌شان خارج می‌شود و دامن عرصه‌های منابع طبیعی را می‌گیرد. بیشتر آتش‌سوزی‌هایی هم که در هفته‌های اخیر در منطقه زاگرس ایجاد شده، ناشی از همین موضوع بوده است.

او تأکید کرد: بر اساس مواد ۱۹ و ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲ قانون هوای پاک و برخی قوانین دیگر، آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع جرم محسوب می‌شود و کشاورزان صرفا در موارد استثنا آن‌هم به شرط نظارت مأموران منابع طبیعی می‌توانند این کار را انجام دهند، یعنی هیچ کشاورزی حق ندارد که پیش از دریافت مجوز و هماهنگی با اداره منابع طبیعی شهرستان مربوطه، کاه و کُلَش پس‌چَر مزرعه خود را آتش بزند؛ بنابراین از عموم کشاورزان درخواست می‌کنیم به صورت جدی از این کار پرهیز کنند یا دست‌کم پیش از اقدام به آتش‌زدن کاه و کُلَش مزارع خود، با مأموران منابع طبیعی شهرستان خود هماهنگ کنند.

مردم در صورت مشاهده آتش‌سوزی در عرصه‌های طبیعی با ۱۳۹ یا ۱۵۰۴ تماس بگیرند

فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی کشور ضمن درخواست از عموم هم‌وطنان درباره خودداری از روشن‌کردن آتش در دل طبیعت اظهار کرد: وقتی گردشگران در طبیعت حضور پیدا می‌کنند، اگر ناگزیر به روشن‌کردن آتش هستند، ابتدا یک چاله درست کنند و دور آن را سنگ بچینند و حتما بعد از اینکه کارشان با آتش تمام شد، آن را خاموش کنند و از خاموش‌شدن کامل آن اطمینان حاصل کنند. هم‌وطنان همچنین باید از انداختن فیلتر سیگار روشن در داخل جاده‌ها و عرصه‌های منابع طبیعی جدا خودداری کنند زیرا وزش کوچک‌ترین بادی هم می‌تواند آتش سیگار را به یک آتش گسترده تبدیل کند.

نفس بیماران تنفسی با تصمیم مسئولان سازمان غذا و دارو و تغییر نرخ جدید ارز دارو برای برخی داروها ازجمله داروهای تنفسی به شماره افتاده است

دولت با ۱۶ همت مابه‌التفاوت ارز دارو چه کرد؟

میتراشهبازی

نفس بیماران تنفسی با تصمیم مسئولان سازمان غذا و دارو و تغییر نرخ جدید ارز دارو برای برخی داروها ازجمله داروهای تنفسی به شماره افتاده است. تغییر نرخ ارز اسپری‌های تنفسی از ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان به ۴۷ هزار تومان در حالی فارغ از نوسانات نرخ ارز و صعود پیکان تورم در کشور از سوی تصمیم‌سازان و مسئولان نظام سلامت اعمال شد که در نخستین گام تبعات آن دامان بیماران تنفسی به‌ویژه جانبازان را گرفته و نفس‌هایشان را به شمارش انداخته است.

مشکل از زمانی آغاز شد که سازمان غذا و دارو واردات برخی داروها مانند اسپری‌های تنفسی را بدون توجه به اینکه مشابه تولید داخل دارد یا خیر، به گروه کالایی ۲۲ تغییر داد. اقدامی که بسیاری از متخصصان و کارشناسان بر این نکته اتفاق نظر داشتند که سازمان باید به موازات این تصمیم، منابع ارزی آن را نیز در نظر می‌گرفت تا کوچک‌ترین تنش یا لرزشی موجب کمبود داروی بیماران نشود.

نه‌تنها منابع ارزی برای این مهم در نظر گرفته نشد، بلکه از زمانی که داروهای تنفسی همراه با بسیاری از داروهای وارداتی در گروه کالایی ۲۲ قرار گرفته و ارز آنها از ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان به ۴۷ هزار تومان تبدیل شد، قیمت‌ها رو به افزایش گذاشت و بیماران بار هزینه این تصمیم‌گیری سازمان غذا و دارو را از جیب خود پرداختند.

ضمن آنکه تصمیم‌سازان فراموش کردند که در این میان نرخ ارز گروه کالایی ۲۲ به‌طور مسلم ثابت نبوده و با نوسان نرخ ارز در کشور و تورم ناپایدار، صف قیمت‌گذاری داروها در مقایسه با هر محموله با هر نوسان بسیار پرازدحام خواهد شد و همین خود عاملی برای مشکلات تأمین و توزیع دارو و از دسترس خارج‌شدن دارو از دست بیمار خواهد بود. بیمارانی که بخشی از آنان را جانبازانی تشکیل می‌دهند که ممد حیات‌شان تنها به این داروهای تنفسی بند است.

برخوردهای ایذایی و تصمیم‌سازی‌های مستقل و فارغ از مشاوره‌های تخصصی و کارشناسانه مدیران سازمان غذا و دارو این روزها رمق را از شرکت‌های تولیدکننده و واردکننده دارو گرفته و نبود نقدینگی تبدیل به مانع بلندی بر سر راه تولید و دسترسی بیماران به داروهای مدنظرشان شده است. در کنار آن، این‌گونه تصمیمات خلق‌الساعه نیز موجب شده است که نیاز به نقدینگی شرکت‌های دارویی روزبه‌روز افزایش یابد و بدون پیش‌بینی منابع ارزی آن، پرداخت از جیب بیماران نیز افزایش یابد.

اگرچه اجرای هرگونه سیاست و تصمیمی در این روزهای برزخی دولت متوقف شده است، اما آن‌گونه که به گوش می‌رسد، این تصمیمات قرار بوده است نه برای تعداد محدودی از داروها بلکه برای همه داروهای تحت لیسانس گرفته شود که خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

روند تبدیل ارز دارو به نیمایی شروع شده

وحید هاشم بیک‌محلاتی، نایب‌رئیس انجمن پخش دارو، در همین راستا اظهار کرد: همان‌طور که در ماه‌های اخیر گفته شده، قرار است ارز دارو از ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان به نیمایی تبدیل شود. هرچند این مسئله برای بازار دارویی ایران غریب نیست و پیش از این نیز برخی از اقلام دارویی با ارز نیمایی قیمت‌گذاری شده بودند، اما نگرانی‌ها درباره گران‌شدن داروها همچنان وجود دارد.

او با اشاره به اینکه مکانیسم قیمت‌گذاری دارو با ارز نیمایی باعث می‌شود قیمت‌ها متغیر باشد، افزود: به‌این‌ترتیب افزایش قیمت به دلیل این تغییرات، دور از انتظار نیست، اما احتمال دارد به دنبال آن کمبود دارویی بروز نیابد. البته همین الان خیلی از داروها ازجمله اسپری‌های تنفسی دچار کمبود هستند که دلیل اصلی آن نیز همان تغییر نرخ ارزی است که سال ۱۴۰۱ انجام شد و دولت مسئولیت این موضوع را بر عهده گرفت که پرداخت‌کننده زنجیره تأمین دارو شود.

محلاتی ادامه داد: همان‌طور که دکتر صادقیان، مدیرکل اداره دارو، به‌تازگی در مصاحبه‌ای هشدار به پرداخت‌نشدن پول دارو داد، به دلیل پرداخت دیرهنگام و کمتر از حد تعیین‌شده، خیلی از داروها دچار کمبود شده‌اند.

این فعال صنعت دارو تأکید کرد: حدود سه فصل است که در مقایسه با مدت مشابه قبل دچار کاهش تعدادی عرضه به بازار شده‌ایم. علت اصلی هم این است که دولت در پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز دچار مشکل شده و نتوانسته ریال پرداخت کند. حالا به این موضوع تخصیص کم ارز را هم اضافه کنید که به مشکلات می‌افزاید؛ بنابراین این کمبودها وجود دارد.

به گفته محلاتی قرار بود با پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز به مصرف‌کننده نهایی، گرانی ایجاد نشود، اما در عمل این اتفاق نیفتاده و موضوع فقط مختص به اسپری نیست و مردم در تمام حوزه‌های دارویی این گرانی را لمس می‌کنند.

افزایش بیش از ۲ برابری پرداخت از جیب بیماران

نایب‌رئیس انجمن پخش دارو و مکمل تهران با اشاره به افزایش پرداختی از جیب مردم که برخلاف برنامه اعلامی از سوی مسئولان دولتی است، گفت: بازار دارویی در سال ۱۴۰۰ رقمی در حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان بوده که از این عدد ۳۰ هزار میلیارد تومان از جیب مردم پرداخت شده است، اما همین بازار در سال ۱۴۰۲، ۱۶۰ هزار میلیارد تومان است و پرداختی از جیب مردم به بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته؛ یعنی مردم بیش از دو برابر پرداخت داشته‌اند، بنابراین طرح دولت آن‌طور که ادعا می‌شد مردم با گرانی مواجه نشوند، اجرا نشده است.

محلاتی اضافه کرد: چون دولت نتوانسته به‌موقع پول حوزه دارو را پرداخت کند، از یک طرف شاهد کمبود هستیم چون کارخانه‌ها نتوانستند تأمین ریال کنند و بانک‌ها هم همراهی نکردند و از طرف دیگر در این شرایط، یکباره به تعداد داروخانه‌ها هم ۳۰ درصد اضافه شد و همگی دست به دست هم دادند که مردم با گرانی و کمبود مواجه شوند.

برای مثال فرض کنید یک داروخانه سر یک چهارراه قرار داشته و برای هر واحد فروش، دو واحد موجودی در انبار نگه می‌دارد، حالا سر همان چهارراه چهار داروخانه اضافه شده است. این در حالی است که به مصرف اضافه نشده است و در مدت دو سال اخیر نه بیماری واگیردار و نه رشد جمعیت خاصی داشته‌ایم که اتفاقی در مصرف رخ دهد؛ پس به اندازه همان یک واحد مصرف یک داروخانه سر چهارراه نیاز وجود دارد، اما چون چند داروخانه دیگر اضافه شده و هرکدام برای تأمین نسخه بیمار باید موجودی نگه دارند و حجم هر داروی انبارشده باید به هشت واحد افزوده شود، همین مسئله به زنجیره تأمین فشار وارد می‌کند. این در حالی است که به گفته محلاتی این شرایط در وضعیتی بروز می‌کند که نه ارز هست و نه منابع مالی کافی در اختیار قرار دارد؛ بنابراین دارو در چنین شبکه‌ای انبار می‌شود و مردم هم از این داروخانه به داروخانه دیگر باید سرگردان شوند.

نایب‌رئیس انجمن پخش دارو و مکمل تهران تأکید کرد: تصمیمات اشتباه سال‌های گذشته مانند افزایش یکباره تعداد داروخانه‌ها، تغییر ناگهانی نرخ ارز، همکاری‌نکردن بانک‌ها و... همگی باعث شده یک‌سری از داروها دچار کمبود شوند.

صرف مابه‌التفاوت نرخ ارز دارو در جایی دیگر

محلاتی درباره تغییر تالار تأمین ارز دارو گفت: این اتفاق در اسفندماه گذشته رخ داده و داروهای مشابه تولید داخل و مولکول‌های جدید ارز تالار دوم دریافت می‌کنند و این تصمیم متعلق به این چند هفته اخیر نیست. نقطه ضعف این تصمیم نیز نحوه تأمین منابع ریالی است.

او افزود: در طرح دارویار یک ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی خریداری می‌کردیم که بعد به ۲۸هزارو ۵۰۰ و حالا هم به بیش از ۴۰ هزار تومان در تالار نیمایی رسیده است. تأمین‌کننده دارو زمانی که می‌خواهد ارز را خریداری کند، به صورت نقد به حساب بانک مرکزی واریز و دولت این مابه‌التفاوت را به صورت نقد دریافت می‌کند، اما پرداخت آن بر اساس نسخی است که در سازمان‌های بیمه‌گر ثبت می‌شود. برای مثال در محدوده دو تا چهار ماه بعد پرداخت انجام دهد.

نایب‌رئیس انجمن پخش دارو و مکمل تهران ادامه داد: بنابراین دولت پول را نقد دریافت می‌کند، اما به صورت نسیه خیلی طولانی آن را خرج می‌کند. همین مابه‌التفاوت مشکل نقدینگی شرکت‌های تولیدکننده و پخش می‌شود و نکته درخور توجه هم اینجاست که سال گذشته دو میلیارد دلار ارز برای دارو اختصاص دادند که اگر تمام این ارز را ۲۸هزارو ۵۰۰ تومانی حساب کنیم و حتی به تالار دوم هم کار نداشته باشیم هر ارزی ۲۴هزارو ۳۰۰ تومان مابه‌التفاوت با آن چهارهزارو ۲۰۰تومانی دارد.

او تصریح کرد: اگر این رقم را ضرب در دو میلیارد دلار کنیم، رقمی در حدود ۴۸،۶ هزار میلیارد تومان فقط برای دارو می‌شود. این در حالی است که سال گذشته ۳۲ هزار میلیارد تومان برای دارو اختصاص یافت که ۱۶،۶ هزار میلیارد تومان فاصله وجود دارد؛ یعنی دولت ۴۸،۶ هزار میلیارد تومان پول گرفته اما حداکثر ۳۲ هزار میلیارد تومان پول به دارو پرداخت کرده است. بنابراین دولت ۱۶ هزار میلیارد تومان از این کار درآمد داشته و صرف امور دیگر کرده است. این در حالی است که قرار نبود چنین اقدامی انجام شود و کل این رقم باید صرف امور دارو می‌شد تا مردم کمتر دچار مشکل و گرانی شوند.

به گفته این داروساز، دولت باید مابه‌التفاوت ریال را در اختیار کارخانه‌ها قرار می‌داد تا داروسازان تولید را ادامه دهند تا کشور دچار مشکل نشود. البته اگر همین وضعیت دو سال ادامه یابد، دوباره مشکلات نقد و نسیه برطرف می‌شود اما به هر حال کمبودهایی که این مدت به وجود آمده، در نتیجه همین اقداماتی است که گفته شد.

محلاتی درباره داروهای تنفسی نیز تأکید کرد: یک‌سری از داروها در داخل کشور تولید می‌شود که ارز آنها هنوز تغییر نیافته و ارز ۲۸هزارو ۵۰۰تومانی دریافت می‌کنند. فقط داروهای تنفسی وارداتی ارزشان نیمایی شده است که گران‌تر و پرداخت از جیب بیمار هم افزایش می‌یابد. البته در اینجا ممکن است دولت این سیاست را داشته باشد که داروی تولید داخل با قیمت ارزان‌تر در دسترس باشد و کسی که می‌خواهد نسخه خارجی تهیه کند، خودش مابه‌التفاوت آن را پرداخت کند.

۹۰ تا ۹۵ درصد هرگز جذام نمی‌گیرند

معاونت بهداشت وزارت بهداشت در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: برخلاف باور عمومی مردم، ۹۰ تا ۹۵ درصد آحاد بشر هرگز جذام نمی‌گیرند، به عبارت دیگر اغلب انسان‌ها نسبت به جذام ایمنی ذاتی دارند؛ به این معنا که حتی اگر میکروب این بیماری وارد بدن آنها شود، قادر به ایجاد بیماری نخواهد بود.

در اطلاعیه این معاونت آمده است: «مخزن بیماری جذام، انسان است و با توجه به اینکه درمان بیماری قطعی، در دسترس و رایگان است و از سوی دیگر تنها در داخل سلول‌های زنده بدن میزبان، این بیماری قدرت حیات و تکثیر دارد و با خروج از بدن از بین می‌رود، این بیماری از کم‌سرایت‌ترین بیماری‌های عفونی است و خطر جدی محسوب نمی‌شود.

خوشبختانه از ابتدای معرفی درمان قطعی بیماری جذام در سال ۱۹۸۱ میلادی تاکنون، کاهش ۹۵درصدی شیوع بیماری در جهان مشاهده شده و از آن زمان تاکنون ۱۸ میلیون نفر بهبود یافته‌اند و از وقوع چهار میلیون معلولیت ناشی از جذام در جهان پیشگیری شده است.

جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۱۳۷۱ خورشیدی در مرحله حذف بیماری قرار گرفته است. تعریف بین‌المللی حذف جذام عبارت است از «کاهش میزان شیوع بیماری به کمتر از یک مورد در ۱۰ هزار نفر جمعیت». سازمان جهانی بهداشت همه کشورها را به «تلاش برای دستیابی به مرحله حذف بیماری جذام و حرکت به سوی ریشه‌کنی بیماری» متعهد کرده است.

در رابطه با آمار ابتلا به جذام در سال ۱۴۰۲ در کشورمان، ۹ نفر بیمار جدید مبتلا به جذام گزارش شده است که از این تعداد شش نفر ایرانی و سه مورد افغانستانی بوده‌اند. شایان ذکر است در ۱۰ سال اخیر الگوی بیماری و نسبت بیماران به لحاظ ملیت تغییری نداشته و به‌طور متوسط هر سال ۲۵ تا ۳۰ درصد موارد شناسایی‌شده در کشور غیرایرانی بوده‌اند. این بیماران همچون سایر افراد جامعه خدمات تشخیصی، مشاوره‌ای و درمانی مرتبط با جذام را به صورت رایگان دریافت می‌کنند. لازم به توضیح است این موارد بسیار محدودِ مبتلا به جذام با ملیت افغانستانی، از نظر تبعیت از درمان همواره بسیار پیگیر، مسئولیت‌پذیر و منظم بوده‌اند و لذا در حال حاضر مشکلی در ارتباط با بیماری جذام در جمعیت مهاجران و همچنین جامعه میزبان وجود ندارد.

جذام یک بیماری کاملا قابل درمان با منشأ یک باکتری میله‌ای‌شکل، با دمای مناسب برای رشد باکتری یعنی دمای ۳۰ تا ۳۳ درجه، بیشتر تمایل به جایگزینی و تکثیر در بافت‌های سردتر بدن مانند پوست، اعصاب محیطی و راه‌های هوایی فوقانی را دارد و به همین دلیل است که علائم اولیه بیماری نیز در همین بافت‌ها ظاهر می‌شود. عامل این بیماری برای تکثیر و زایش آن‌هم فقط در سلول زنده بدن میزبان به دو هفته زمان نیاز دارد. لذا از زمان ورود باکتری جذام به بدن فرد تا ظهور علائم بیماری به‌طور متوسط سه تا پنج سال طول می‌کشد.

نجواهای یک هافبک چپ

مغزهای کوچک زنگ‌زده!

سحر طلوعی

از عجایب این روزگار یکی این است: دروغ‌گفتن و ادعاهای گزاف و بی‌اساس مشمول مالیات نمی‌شود، البته وقتی گوینده دست باز داشته باشد و از حساب و کتاب مصون. خانم منصوره معصومی‌اصل عضو شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی یکی از همین صاحبان مصونیت و دست باز است؛ کسی که به حساب خودش می‌خواهد دلایل شکست نامزد مدنظر این شبکه را در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر بررسی کند، اما آگاهانه به مردم و خاصه زنان توهین می‌کند. خانم معصومی فکر می‌کند علت شکست جناح مورد علاقه‌اش، اشتباه مردم در انتخاب است و آنها به گزینه‌ای رأی داده‌اند که دنباله‌رو غرب است؛ «غربی که زنانش بَرده هستند و قلاده می‌اندازند و سگ می‌شوند و هاپ‌هاپ می‌کنند!». این جملات کلمه به کلمه از زبان این عضو شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی جاری شده است. نوشتن از دلایل شکست جناح مورد علاقه خانم معصومی کار تحلیلگران سیاسی است، اما می‌ماند زنان غربی و مردم ما و توهینی که در این میان به هر دو طرف شده است. ما البته از خانم معصومی انتظار نداریم درباره زنان غربی چیزی جز ادعاهای کلیشه‌ای و تکراری و بی‌اساس بگوید، اما دوست داریم بدانیم خانم معصومی چه کلیدواژه‌هایی را در موتورهای جست‌وجوی اینترنتی تایپ می‌کند و در فضای مجازی دنبال چه موضوعاتی است که به این نتیجه رسیده که زنان غربی و نه حتی برخی از آنها بَرده شده‌اند، هاپ‌هاپ می‌کنند و ادای سگ‌ها را درمی‌آورند و... . ما می‌خواهیم بدانیم خانم معصومی این زنان را کجا دیده است؟ در کدام سفر به غرب، زنان برده را ملاقات کرده و از کدام محله‌ها سر درآورده است؟ تور گردشگری خانم معصومی ناتو و کلاهبردار از آب درآمده است و او را به مکان‌هایی خاص برده یا نه، در واقعیت زنان غربی برده شده‌اند و هاپ‌هاپ می‌کنند و سارا گیلبرت‌ها و کاترین گرین‌هایی که در لابراتورهای آکسفورد زمینه‌ساز ساخت واکسن کووید آسترازنکا و نجات جان میلیون‌ها انسان در سراسر جهان شدند، یا یاسمین مقبلی و لورا اوهارا که چندی پیش از سفر فضایی شش‌ماهه خود بازگشته‌اند، یا کتانجی براون جکسون که در عالی‌ترین مسند قضائی ایالات متحده نشسته و... نمونه‌های دروغین هستند؟ کاش خانم معصومی بگوید این ادعای گزاف و لاطائلات را از کجا می‌آورد و با چه ضابطه‌ای از یک کلیپ سرگرمی و گروهی اقلیت، جزء را به کل تعمیم می‌دهد و درباره همه زنان غربی به نظریه «سگ‌شدگی» می‌رسد؟ راستش دفاع از زنان غربی و جامعه غربی هم به ما ربطی ندارد که آنها هم مشکلات و دستاوردهای خود را دارند و... اما خانم معصومی با کدام کد و سند، مردمی را که خلاف خواست او و شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی، به گزینه دیگر رأی داده‌اند، پیرو نظریه «سگ‌شدگی زنان غربی» معرفی می‌کند و شایسته ملامت و «بلا» می‌داند؟ کاش خانم معصومی‌اصل بداند چه بلایی بزرگ‌تر و مصیبت‌بارتر برای مردم ما که کسی چون او صاحب تریبون است و اجازه دارد هرچه به دهانش می‌آید، بی‌سند و مدرک بگوید و توهین کند و پاسخ‌گو هم نباشد؟ چه عذابی از این مهیب‌تر که دست منصوره معصومی‌اصل‌ها برای تعیین حدود و ثغور عادی‌ترین وجوه زندگی مردم بی‌نهایت باز است و با سوءاستفاده از ناآگاهی و گاه اطمینان صددرصدی تصمیم‌گیران و مدیران بالادستی در همه این سال‌ها هر کار خواسته‌اند، کرده‌اند و ذره‌ای عقل و شعور مردم را به رسمیت نشناخته و برای خواست آنها احترام و ارزش قائل نبوده‌اند و نیستند و همواره فکر می‌کنند خواست و نظرشان درست است و این درست را باید به هر شکل ممکن به جامعه تزریق کرد؟ چه بلایی هولناک‌تر از معصومی‌اصل که یکی مشت نمونه خروار است؟ کاش یک بار منصوره معصومی‌اصل و شبکه راهبردی یاران انقلاب اسلامی و همه آنها که با تفاوت‌هایی اندک در نام و مرام و عمل رونوشت یکدیگر هستند، چشم و گوش خود را خوب باز کنند و در وهله اول «نه» بلند مردم را ببینند و بشنوند و در وهلهٔ دوم به انتخاب و حق انتخاب آنها احترام بگذارند و پیش از ادعا و اظهارنظرهای گزاف، ذره‌ای تأمل کنند که شکست بعدی شاید بزرگ‌تر و مهیب‌تر باشد.